246242 ـ چگونه به مقتضای اسم «احد» خداوند متعال عمل کنیم؟

سوال

چگونه به مقتضای این نام الله عزوجل یعنی احد عمل کنم؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

احد یکی از نام‌های نیک الله است.

خداوند متعال می‌فرماید:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ [اخلاص: ۱]

(بگو او الله یگانه است).

احد یعنی یگانه‌ای که همیشه یگانه بوده و کسی همراه او نبوده است، و اوست که در ذات خود و در ربوبیت (پروردگاری) و الوهیت (پرستش) و در نام‌ها و صفات خود یگانه است.

شیخ سعدی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

واحد، احد: او کسی است که در همه‌ی کمالات یگانه است و هیچ کس در آنها با وی شریک نیست. و بر بندگان واجب است که از نظر عقل و سخن و کردار او را یگانه بدارند، به این صورت که به کمال مطلق او و یگانه بودن او به تنهایی اقرار داشته باشند و انواع عبادت را تنها برای او انجام دهند» تفسیر سعدی (۹۴۵).

همچنین مراجعه کنید به سوال شماره‌ی (10282).

عمل به مقتضای این اسم با یگانه ساختن الله در ربوبیت او ممکن است، یعنی اینکه او در آفرینش و ملک و تدبیر یگانه است، بدین معنا که در هیچ یک از عبادات با او شریکی قرار ندهیم، و اعمال را برای او انجام دهیم و تلاش کنیم سخن و کردارمان خالصانه برای او باشد.

زیرا «بزرگترین تاثیر این دو نام جلیل و بزرگوارِ واحد و احد: یگانه ساختن الله سبحانه و تعالی در ربوبیت و الوهیت، و یگانه دانستن او در کارها و صفاتش، و یگانه دانستن او در کارهای بندگان است.

یعنی همانطور که او در ربوبیت خود یکی است به طوری که او خالق و روزی دهنده و زنده کننده و میراننده و مالک است و هر طور که بخواهد در خلق خود تصرف می‌کند، همانطور نیز در الوهیت و عبادت یکی است و معبودی به حق جز او نیست و یگانه است و در این مورد شریکی ندارد.

در این صورت است که توحید بنده برای پروردگارش محقق می‌گردد و انواع عبادات تنها برای الله انجام می‌شود زیرا جز او کسی مستحق عبادت نیست.

هنگامی که این اعتقاد در قلب جای گیرد ناگزیر باید در سخن و کردار و اعضا و جوارح بنده نیز آشکار گردد و جز برای الله که تنها و بی‌شریک است سجده و رکوع و نماز را به جای نیاورد و جز به او امید نداشته باشد و تنها او را به دعا بخواند و جز از الله ـ عزوجل ـ چیزی نخواهد و جز از او کمک و یاری نطلبد و تنها به او پناه آورد و جز از الله نترسد و نهراسد و تنها بر او توکل کند.

مقصود آنکه: از جمله موجبات ایمان به نام واحد و احد یگانه ساختن الله در عبادت و دعا و محبت و بزرگداشت و اجلال و ترس و امید و توکل و همه‌ی انواع عبادت است.

که مقتضای آن یگانه ساختن او در محبت و ولاء است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماد:

أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ [انعام: ۱۴]

(آیا جز الله پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین ولی و یاری دهنده‌ای برگزینم؟).

ثانیا: تعلق دلها به خالق و معبود خود و روی آوردن به تنها او بی هیچ شریکی، زیرا اوست که واحد و احد است که همه‌ی خلائق در حاجات و نیازهای ضروری خود به او محتاجند و اوست که به هر چیزی تواناست و مالک هر چیز و متصرف در همه چیز است.

این احساس دل را از پراکندگی و نگرانی رهایی داده و باعث آرام گرفتن به پروردگار و معبودش می‌شود و هرگونه تعلق و وابستگی را از کسانی که مالک هیچ چیز نیستند، و توانایی انجام کاری را ندارند، از بین می‌برد، آنهایی که قدرتی ندارند مگر در حدودی که خداوند به آنان توانایی داده است و برای خود صاحب هیچ نفع و ضرری نیستند تا چه رسد به دیگران!

این احساس باعث می‌شود که بنده قلب خود را از وابستگی به مخلوق رها سازد، مقصد و مقصود خود را یکی کند و تنها به سوی خالق و آفریدگار و معبود خود روی آورد که واحد و احد و صمد است، در نتیجه آسوده شود و آرامش یابد زیرا

چهره و قلب خود را تنها تسلیم خداوند نموده و در پی مقصدهای پراکنده و شرکای رقیب نمی‌افتد که در میان آنان حیرت‌زده و نگران، گرفتار درگیری تلخی شود.

خداوند متعال مثالی را درباره‌ی کسی آورده که تنها یک خدا یعنی الله عزوجل را می‌پرستد و در مقابلش کسی که خدایان پراکنده او را گرفتار خود کرده‌اند و وی را به بندگی خود کشیده و تکه تکه می‌کنند.

الله متعال می‌فرماید:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [زمر: ۲۹]

(الله مثلی زده است: مردی است که چند خواجه‌ی ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری فرمان می‌دهند] و مردی که تنها فرمانبر یک مرد است؛ آیا این دو در مثل یکسانند؟ ستایش شایسته‌ی الله است، [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند).

بنده اگر همه‌ی زندگی خود را در راستای تحقق این هدف بزرگ یعنی عبادت الله به یگانگی قرار دهد، همه چیز را در زندگی خود تابع این هدف قرار خواهد داد و در نتیجه عمر و وقت خود را از هدر رفتن در چیزهای دیگر حفظ خواهد کرد و وقت با ارزش و نفس‌های معدود خود را با ارزش‌تر از آن خواهد دانست که در غیر این هدف هدر رود و همه‌ی اوقات و دقایق عمر را صرف چیزی خواهد کرد که برای آخرتش سودی داشته باشد، از جمله اعمال نیک یا دعوت به الله یا جهاد در راه او، و برای هدر رفتن دقایق عمرش بیش از هدر رفتن همه‌ی دنیا حسرت می‌خورد. او نعمت فراغت و سلامتی و مال و جوانی را با بهره بردن از آن در طاعت الله ـ عزوجل ـ غنیمت می‌شمرد و حتی اوقات آسایش و استراحت و تفریحش را نیز با نیت عبادت الله به سر می‌برد تا بتواند برای انجام طاعات دیگر نیرو گیرد...» به طور مختصر از کتاب ولله الأسماء الحسنى (۱۱۴ ـ ۱۱۷).

والله اعلم.